



تحلیل هفته

انحراف در بررسی لایحه اصلاح قانون کار



صادق کار

در هفته گذشته سرانجام متن لایحه تغییر قانون کار دولت پس از چند هفته که از ارسالش به مجلس گذشت، توسط خبرگزاری (ایلنا) منتشر شد. پس از انتشار این لایحه، همان طور که حدس زده می شد و رفتار دولت در زمینه مسایل کارگری نیز موید آن بود، مشخص گردید که تغییرات مدنظر دولت در واقع چیزی جز آنکه در لایحه تهیه شده توسط دولت احمدی نژاد منظور شده بود نیست و درست به همان اندازه علیه حق و حقوق کارگر و بهمان نسبت عدالت ستیزانه است.

افزون بر آن معلوم شد، که این تغییرات به رغم ادعای دست اندرکارانش به شکل غیرقانونی انجام گرفته‌اند و حتی (نمایندگان) کارگری دست چین شده وزیرکار در شورای عالی کار نیز بنا بر اذعان خودشان در جریان کار قرار نداشته‌اند و به بازی گرفته نشده‌اند. تصمیمات خارج از شورای عالی کار توسط مسئولان دولتی و نمایندگان سازمان های کارفرمایی ذی نفوذ در خارج از شورای عالی و در خفا اخذ گردیده، به نظر می رسد مقصود از اتخاذ چنین رویه‌ای

جلوگیری از درز اطلاعات و غافلگیر کردن سازمان های کارگری و گرفتن فرصت اعتراض از این سازمان ها و کارگران بوده است. این در حالی است که در زمان احمدی نژاد این لایحه قبل از ارسال به مجلس انتشار بیرونی یافته بود و با واکنش شدید سازمان های کارگری مواجه گردید و مخالفت ها چنان بالا گرفت که مجلس پیشین بخاطر نگرانی از بالا گرفتن سبتر اعتراضات و تضعیف موقعیت محافظه کاران در انتخابات ریاست جمهوری از بررسی لایحه خوداری کرد.

بهر جهت پس از انتشار متن لایحه، واکنش های اعتراضی تشکل ها و فعالان کارگری علیه این لایحه که بواسطه تلاش ها و انتشار مقالات انتقادی و افشاگرانه برخی فعالان سندیکایی و صنفی مستقل و آگاه به این امور شروع شده بود بسیار گسترده گردید. اخبار این واکنش های اعتراضی علاوه بر خبرگزاری (ایلنا) در تعداد دیگری از رسانه های کارگری در داخل و خارج بازتاب یافت و خود این عمل نیز اعتراضات و واکنش های دیگری را بدنبال آورد که هم چنان ادامه دارند. فعالان کارگری و نمایندگان تشکل های

مختلف، هر کدامشان بخشی از تغییرات مد نظر دولت در لایحه را مورد نقد قرار داده و نسبت به عواقب مخرب شان در وضعیت معیشتی و اجتماعی کارگران پرداخته‌اند و با آن ها مخالفت کرده‌اند. نکته مشترک همه گزارشاتی که در این ارتباط منتشر شده، مخالفت همه تشکل ها و فعالان کارگری، حتی نمایندگان دست چین شده کارگری در شورای عالی کار با تغییرات مد نظر دولت است. که البته این موارد که منتشر شده‌اند به واقع تنها بخشی از اعتراضات هستند و با اطمینان می توان گفت که خلاف ادعای دست اندرکاران این لایحه، نه هیچ کارگری که سمت نمایندگی کارگر را داشته است در این توطئه ضد کارگری شرکت داشته و نه هیچ کارگری آن را تأیید کرده و می کند.

این گستردگی و هم زبانی کارگران علیه لایحه‌ای که حکم سند بندگی طبقه کارگر را دارد در شرایطی صورت می گیرد که پیگرد فعالان سندیکایی به اوج خود رسیده و هزینه اعتراض را به شدت بالا برده‌اند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۵ / ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۵۰

علیه برنامه ریزان، لایحه اصلاحی قانون کار اعتراض کنید

از طریق، خبرگزاری ها،
مطبوعات و رسانه های
اجتماعی
تلگرام، اینستاگرام

و تشکیل کمپین های
اعتراضی به روشنگری و
انسجام کارگران یاری
رسانید،

با توجه به انتخابات
ریاست جمهوری، جناح
های حکومتی در برابر
اعتراض های کارگری
چاره ای جزء عقب نشینی
ندارند

با گسترش اعتراض ها،
حاکمیت جمهوری
اسلامی را وادار به تمکین
کنید

یکی از ابزار قانونی دولت ها و کارفرمایان برای سرکوب مطالبات کارگران و تصویب آئین نامه های و مقررات ضدکارگری تبدیل شده بایستی یکی از آماج های اصلی مبارزه علیه تغییر قانون کار باشد. اگر این سامانه در کشورهای شمال اروپا کارکرد نسبتا مناسبی داشته بخاطر آن است، که اولاً شورای سه جانبه گرای در این کشورها جنبه مشورتی دارد و ابزار تعیین دستمزد و سایر شرایط کاری از طریق قراردادهای دسته جمعی میان اتحادیه های کارگری و کارفرمایی که بطور آزاد تشکیل و فعالیت می کنند پیش برده می شود و مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ و دیگر مقاله نامه هایی که متضمن حق و حقوق سندیکایی کارگران هستند کاملاً رعایت می شوند، ثانياً مقامات دولتی بخاطر وجود آزادی های مدنی و اتحادیه ها و احزاب مانند دولت مردان جمهوری اسلامی ایران به آسانی آب خوردن نمی توانند قوانین را نقض کنند، زیر حرفه ایشان بزنند و به مردم دروغ بگویند، و ثالثاً دولت ها و برنامه هایشان در هر انتخابی به رای گذاشته می شوند. قانون کار موجود حتی اگر هم به میل دولت و کارفرمایان ایران تغییر نکند و بصورت کنونی باقی بماند، بازهم متضمن حداقل حقوق کارگران و مزدبگیران نیست. بهمین جهت اعتراض بایستی از اعتراض به تغییرات ضدکارگری پیشنهادی دولت فراتر رود و سمت مبارزه به سوی انطباق قانون کار با مقاله نامه های سازمان بین المللی کار و مقدمات، مقاله نامه های کلیدی ۸۷ و ۹۸ جهت گیری کند.

بنا به گزارش (ایلنا) گروه کارگری در شورای عالی کار نیز در اعتراض به نحوه اخذ تصمیم در مورد تغییرات، خواستار بررسی لایحه دولت در شورای عالی کار شده اند.

در چنین شرایطی نتیجه بررسی "اصلاح قانون" کار در شورای عالی کار، که توسط گروه "کارگری" درخواست شده، حتی اگر مورد موافقت هم قرار گیرد، با نظر داشت اکثریت داشتن نمایندگان دولت و کارفرمایان و وابستگی "نمایندگان کارگری" به دولت نه تنها راه گشا و هم سو با اعتراضات جاری نیست، بلکه در خدمت انحراف اذهان و به سراه بردن سمت اعتراضات و ایجاد شکاف در میان معترضان است. این اقدام به دست اندرکاران و حامیان این لایحه فرصت می دهد تا سهل تر هدفشان را عملی کنند و آن را قانونی جلوه دهند.

شورای عالی کار اگر می خواست لایحه را مورد بررسی قرار دهد، می توانست و می بایست این کار را قبل از ارسال آن به مجلس انجام می داد. وانگهی بفرض این که شورا پیشنهاد را هم می پذیرفت نتیجه بررسی اش نمی توانست چندان متفاوت با لایحه کنونی باشد و این چیزی نیست که به اصطلاح نمایندگان با آن نا آشنا باشند. بهمین دلیل اعتراضات علیه لایحه تغییر قانون کار را لازم است بدون توجه به واکنش دست اندرکاران و حامیان این لایحه ادامه و گسترش داد، زیرا تنها امکان موثر مقابله با این سند اسارت نیروی کار و زحمت اعتراض است و اعتراض. خود این سامانه سه جانبه گرای که در اصل کاریکاتوری از سه جانبه گرای مرسوم در کشورهای شمال اروپا بیش نیست که در واقع به



فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت و دموکراسی درعراق

(بعد از صدام حسین)

"بخش پایانی"

مقاومت در برابر اشغال خارجی و اوج گیری استبداد

در پاسخ دولت عراق فرمان ۹۵ و فرمان ۹۷ را صادر کرد که بموجب آن رسمیت اتحادیه مورد حمایت دولت GFIW را لغو کرد و بجای آن "کمیسیون وزارتی آماده سازی"

(Ministerial Preparatory Commission - PMC) را منصوب نمود. در یک حرکت دولت تمام اتحادیه های مزاحم و مؤسسات مشابه دفاع از حقوق کارگران را از میان برداشت و بجای آنها کمیسیون غیرانتخابی MPC را نشانده که نقش نظارت بر بخشهای صنفی، از جمله انتخابات اتحادیه های صنفی، را بر عهده دارد.



قابل پیش بینی بود که مالکی به این اتفاقات بشیوه دیکتاتورها و خودمخوران در منطقه پاسخ دهد: او دستور سرکوب تمام معترضان عراقی را، بهمراه روزنامه نگاران

و فعالان جامعه مدنی و سیاسی که در اعتراضات فعال بودند، داد. نیروهای امنیتی در بسیاری از مواقع با تظاهرکنندگان درگیر شدند. این درگیریها به زدوخورد، ضرب و جرح و مرگ نیز منجر شدند. این شامل سرکوب کارگران صنعت نفت هم شد. در فوریه آن سال وزارت نفت رسماً دستور داد که کارگران پالایشگاه ها

ارقامیتا بایست ۵۰ هزار دلار را بعنوان جریمه بابت تاخیر در شروع کار و توقف تولید (کمتر از ۲۴ ساعت) بپردازند. این مقدار با استانداردهای بین المللی خارق العاده و بیسابقه بود و عملاً برای خانواده عراقی غیرقابل پرداخت بود. برای مقایسه باید دقت داشت که یک کارگر متخصص بطور متوسط درعراق ۱۰ دلار در روز حقوق می گرفت و کارگر غیرحرفه ای ۴/۵ دلار در روز دستمزد داشت. جرایم مشابهی هم برای کارگران اتحادیه های IFOW و GFIW که در ماه مه آن سال یک تحصن ۳۰۰ نفره را در مقابل شرکت نفت جنوب ترتیب داده بودند، وضع شد. آنها خواستار پیشگیری از فساد مالی در شرکت و همسانی حقوق و مزایای شان با کارکنان شرکتهای نفتی خارجی در عراق شده بودند.

یک کارگر نفت به نام اسد ابوالحسین گفته بود: "اگر شرکت نفت جنوب حقوق و مزایای ما را آن طور که استحقاق داریم پرداخت نکند، ما دست از کار خواهیم کشید و تولید را متوقف خواهیم کرد. فقط بخاطر آن که صنعت ما فقیر است و تأسیسات ما مشابه کمپانیهای خارجی طراحی و اجرائی نشده اند، ما کارگران مستوجب رفتار ناعادلانه کارفرما نیستیم."

نتیجه پایانی

این زمان دوران حساسی برای اتحادیه های صنفی مانند IFOW و جنبش کارگری در عراق است. آنان همچنان با شرایط بد کاری، حقوق پایین، ایمنی ناچیز، و عملاً بدون حقوق صنفی روزگار می گذرانند. در ده سالی که از اشغال عراق می گذرد، نه اشغالگران آمریکائی و نه دولت عراق سعی جدی نکرده اند که قوانین سرکوبگرانه بعثی را علیه کارگران، که اختیارات اتحادیه ها را در نمایندگی از آنان محدود می کند، تغییر دهند. بطریق مشابه هیچ چارچوب قانونی هم در باره سرمایه گذاران خارجی در صنعت نفت عراق وجود ندارد که حقوق مردم عراق را از منافع نیروی اشغال و کمپانیهای فراملیتی که در جوار فساد گسترده اقتصادی-سیاسی مشغول استثمار منابع زیرزمینی عراق اند، بگیرد.



بوژه یک جنبش توانمند اتحادیه های صنفی نه فقط در ساختار یک توده درگیر در سرنوشت اجتماعی ضرورت دارد، بلکه می تواند به کاهش بسیاری از اختلافات در گستره ملی عراق کمک کند و در نتیجه به استقرار یک جامعه آزاد، عادلانه و دموکراتیک در این کشور بیانجامد. نکته نهایی این که IFOU و سایر اتحادیه های صنفی نقش حساسی در پاسخگو نگاه داشتن دولت عراق بازی می کنند، آنها شبکه ای از قدرت عمومی اند که ثابت کرده اند می توانند از تغییرات دموکراتیک در مقابل انواع سرکوبگریهای حاکمیت و دیکتاتوری آن دفاع کنند. از این پس عراق به هر سو که سوق یابد، اتحادیه های صنفی و جنبش کارگری عراق نقش حساسی در حفظ ثبات کشور و توانایی ملی در گسترش و استقرار دموکراسی بازی خواهند کرد.

علاوه بر این، اتحادیه هایی مانند IFOU تحت فشار و سرکوب نیروهای امنیتی-نظامی و تاکتیک مشت آهنین دولتی قرار داشته اند که بشیوه های آمرانه و خشن در حال سوءاستفاده از ظواهر دموکراسی برای تأمین منافع دیکتاتوری بوده است.

با این وجود باید در نظر داشت که نکات مثبتی هم در گستره ظهور و اوجگیری جنبش کارگری و اتحادیه های صنفی از سال ۲۰۰۲ تا کنون وجود دارند. اول آن که این جنبشهای بومی، محلی و عمیقاً هماهنگ، نشاندهنده توان و تمایل مردم عراق بسوی مردمسالاری اند و ناظر بر آن که آنان قادرند مکانیزمهای دموکراتیک را در تقابل با مداخلات خارجی و خودمحوری حاکمیت بکار گیرند. دوم این که علیرغم آن که مشارکت شهروندان عراق در مکانیزمهای دموکراتیک مانند اتحادیه های صنفی در حدی نیست که عراق را شایسته لقب یک دموکراسی کند، اما بهر رو نقطه عطفی در نیل به آن مقصود می تواند باشد.

اخبار خارجی

برزیل

عزل دیلما روسف ؛ اتحادیه های کارگری متحد می شوند

اتحادیه جهانی یو.ان.آی، ۲ سپتامبر ۲۰۱۶

کابینه جدید برزیل به ریاست میشل تمر، معاون کم شناخته شده رئیس جمهور معزول، کابینه ای متشکل از فقط مردان و فقط سفیدپوستان، به فاصله کمی پس از استقرار، یعنی در فاصله تعلیق تا عزل خانم دیلما، طرح هائی را برای کاهش سنگین بودجه عمومی تنظیم کرده است. پانزده تن از ۲۴ وزیر اولیه این کابینه، به شمول خود تمر، در مضان اتهام فساد یا دیگر اتهامات جنائی اند. خانم روسف در زمانی که در قدرت بود، از ایجاد مانع برای ادامه تحقیقات جاری در باره فساد، که متوجه اعضای کابینه خودش نیز می شد، اکیداً خودداری کرد.

اتحادیه جهانی یو.ان.آی، نسبت به پیامدهای عزل خانم دیلما روسف از سمت ریاست جمهور برزیل و برداشته شدن موانع برای سلطه نئولیبرالیسم در آمریکای لاتین هشدار می دهد.

جنبش بین المللی اتحادیه های کارگری هشدار می دهد که با عزل روسف توسط مجلس فساد زده سنای برزیل، حرص بی مهار سرمایه داران شرکتهای بزرگ این کشور را درنوردد.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۵ / ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۵۰



آدریانا روزنواگ، مسئول دسرخانه
امریکائی اتحادیه جهانی، می
گوید: "امروزه، نگرانی ما متوجه
فراسوی وضعی است در برزیل
جریان دارد. ما از گشایش این جبهه
جدید نئولبرالی، که در منطقه ما
پیش آمده و زندگی فقیرترین مردم
را به وجهی بسیار منفی تحت تأثیر
گرفته است، نگرانیم. افزایش
بیکاری و نابرابری، توزیع نامتقارن
درآمدها و محدودیت آزادی های
اساسی که متضمن حق اعتصاب،
تظاهرات و عقد قرارداد جمعی اند،
همه از آثار این پیشروی نئولبرالی
اند.

مواجهه آنان با لشکری از پلیس مسلح، با توپ آبفشان، گاز اشک آور، گلوله های پلاستیکی، هلی کوپتر و...

شاران بارو، دبیرکل اتحادیه جهانی، می گوید: "ثروتمندترین خانواده برزیل
امپراتوری رسانه ای خود، گلوبو، را به کار گرفت تا حکومت [روسف] را بی
ثبات کند. حال دیگر شرکت های بزرگ خانگی و خارجی منتظر نشسته اند تا
شاهد حراجی برای فروش اموال دولتی به مفت، تضعیف حمایت ها از کار و
دولتی باشند که از هم اکنون منافع شرکت های جهانی را بر کار و معیشت
شهروندان خودش مقدم می دارد."

نخستین اقدام دولت تمر، در مقطعی که روسف تعلیق شده بود، انحلال
وزارت مخصوص زنان، برابری نژادی و حقوق بشر، و لغو قانونی بود که در سال
۲۰۱۴ تصویب شده بود. این قانون دسترسی به بازنشستگی، حداقل
دستمزد و جبران خسارت اخراج نا عادلانه را برای کارگران خانگی تضمین می
کرد. قطع موارد جدیدی از خدمات دولتی و تعهدات اجتماعی بیشترین ضربه را
به فقیرترین اقشار وارد کرده است، و تمر بیشترین تغییرات را در قانون کار و
سیستم بازنشستگی، از طریق متممی برای قانون اساسی هدف گرفته
است. این تغییرات کشور را در چنبره ریاضت کشی در ۲۰ سال آتی قفل
خواهند کرد.

دستورکار دولت تمر مبتنی بر برنامه ریاضت کشی و تغییرات تعرضی است،
که حقوق اساسی را ملغی خواهد کرد. بزرگترین مراکز اتحادیه های کارگری
برزیل هم اکنون برای دفاع از دستاوردهای اجتماعی و حمایت های قانونی از
کارگران متحد شده اند.

اتحادیه جهانی یوان.آی. موضع خود را در دفاع و حقوق مردم برای شکل دادن
به آینده خود از طریق رأی مستقیم، اعلام می کند. اتحادیه همچنین تعهد
خود را نسبت به همبستگی با کارگران برای ادامه مبارزه متحدشان برای عقد
قراردادهای جمعی و حمایت از حقوق حاصله برای کارگران در جریان مبارزه
تاریخی برای دموکراسی های شکل گرفته در منطقه اعلام می کند.

فیلیپ جینیگز، دبیرکل اتحادیه
جهانی، می گوید: "سرکوب
سنگین کسانی که مخالف عزل
دیلمای بوده اند و دولتهای برزیل و
آرژانتین که اعتراضات اجتماعی را
جرم آلود می نامند، هیچ کدام
پذیرفتنی و اخلاقی نیست. این
سطح از سرکوب آشکار می کند که
آتش بیاران این دوره جدیدی
نتولبرالی آماده بازگشت به
اقدامات کهنه برای شکستن حق
مشروع مردم زحمتکش برای
اعتراض است. عزل دیلمای رقم زنده
پایان یک دوره از رشد جامع در
برزیل است."

آلکه بوسیگر، مسئول امور مالی
اتحادیه جهانی، که در حال حاضر
برای دیداری با "ائتلاف کارفور" در
سان پائولو به سر می برد، شاهد
دست اول اعتراضات علیه عزل
دیلمای و برآمد سنگین پلیس علیه
این اعتراضات بوده است. بوسیگر
از طریق رسانه های اجتماعی
گزارش کرده است که "اعتراضات
عیهل عزل روسف هنوز در سان
پائولو ادامه دارند. تقریباً تمامی
معترضان جوانان اند.



بریتانیا

ترک کار پیش از بازنشستگی ۱۲ درصد از کارگران بیمار

بی.بی.سی. ۵ سپتامبر ۲۰۱۶

سن بازنشستگی زنان از سال ۲۰۱۰ به این سو مدام افزایش داده شده و قرار است تا نوامبر سال ۲۰۱۸ با سن بازنشستگی مردان، که ۶۵ سالگی است، برابر شود. از آن پس سن بازنشستگی زنان و مردان تا سال ۲۰۲۸ به روالی مشترک تا ۶۷ سالگی افزایش داده خواهد شد. دولت اعلام کرده است که آن گاه هر ۵ سال یک بار در سن بازنشستگی تجدید نظر خواهد کرد.

یکی از سخنگویان وزارت کار و بازنشستگی در این باره می گوید: "سیستم رفاه در حال حاضر هم حمایت‌های لازم را برای کارگرانی که به علت بیماری یا ازکارافتادگی قادر به کار نیستند، فراهم آورده است." اوائل سال جاری، تام مک فیل، رئیس بخش سیاست‌گذاری بازنشستگی در شرکت هارگریو - شرکتی که کارش ارائه خدمات مالی است - اعلام کرد که کسانی که امروزه وارد بازار کار می شوند، به احتمال قوی باید تا میانه های هشتمین دهه عمرشان منتظر بمانند تا بتوانند از سیستم دولتی بهره مند شوند."

ازکارافتادگی و بیماری از هر ۸ کارگر یکی را وادار به ترک کار پیش از بازنشستگی می کند.

تحقیقی که توسط کنگره اتحادیه های کارگری (ک.ا.ک.) انجام شده، نشان می دهد که حدود نیم میلیون کارگر به علل مختلف ناشی از عدم سلامت کافی مجبور شده اند در یک بازه ۵ سال پیش از بازنشستگی، دست از کار بکشند.

در ماه مارس سال جاری دولت بریتانیا اعلام کرد که در سن عمومی بازنشستگی برای کارگران دولتی و بخش‌های عمومی تجدید نظر خواهد کرد. دولت همچنین ابراز داشت که توأمان حمایت‌های لازم از کارگران بیمار و ازکارافتاده را معمول خواهد کرد.

تحقیق ک.ا.ک. حاکی از تمایز محسوسی بین شمال و جنوب است. در جنوب و جنوب غربی انگلستان از هر ۱۳ کارگر یکی شن به علت بیماری یا ازکارافتادگی ناگزیر به ترک کار زودهنگام شده است. این در حالی است که این نسبت در شمال انگلستان، اسکاتلند و ویلز ۷ به ۱، و در ایرلند شمالی ۴ به ۱ است.

احتمال این که کسانی که در مشاغل کم درآمد کار می کنند و به کارهای دستی غیرتخصصی اشتغال دارند، به علل گفته شده زودهنگام دست از کار بکشند، در مقایسه با احتمال نظیر برای صاحبان مشاغل حرفه ای و مدیریتی، دو برابر است.

بازنشستگی با منزلت

فرانسس اوگاری در این باره می گوید: "کارگران باید بتوانند در زمان مساعد با منزلت بازنشسته شوند و حقوق بازنشستگی آبرومندانه ای داشته باشند. کارگران مسن تر نقشی حیاتی در بازار کار دارند و ما نمی توانیم از کارگران بیمار و ازکارافتاده انتظار داشته باشیم مدت باز هم بیشتری را برای بازنشسته شدن صبر کنند؛ آن هم در زمانی که به بیشترین حمایتها نیاز دارند."

برنامه دولت برای تجدید نظر در سن بازنشستگی در بخش دولتی مبتنی بر تحقیقی صورت خواهد گرفت که قرار است نتایج آن در ماه می سال آینده انتشار یابند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۵ / سپتامبر ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۵۰

جهان

فراخوان اتحادیه های کارگری به رهبران جی ۲۰

تقویت سهم دستمزد از درآمدهای ملی

اتحادیه جهانی یو.ان.آی.

ال ۲۰* خطاب به اجلاس سران جی ۲۰ در چین بیانیه ای صادر کرد.

کار نیازمند حمایت کامل و آشکار اجلاس سران جی ۲۰ در چین است. این تعهد باید در مجموعه موضوعات مطرح در اجلاس، به موضوع اصلی تبدیل گردد.

بیانیه ال ۲۰ خطاب به سران جی ۲۰ شامل یک طرح ۶ مرحله ای برای بنای اقتصادی جهانی برای تمام کارگران و خانواده هایشان، به قرار زیر است:

- اقدام هماهنگ برای رشد اقتصادی از طریق افزایش دستمزدها و سرمایه گذاریهای عمومی؛
- اتخاذ یک سیاست ساختاری جدید برای رفع نابرابریهای فزاینده؛
- اقدام برای استخدام جوانان، انتگراسیون مهاجران، و رفع شکاف جنسیتی؛
- اقدام قاطع برای مهار ناآرامیهای محیط زیستی و نیل به تغییرات تکنولوژیم قابل پذیرش؛
- بنای یک سیستم بین المللی مسئول برای تجارت و سرمایه گذاری؛
- تضمین انسجام سیاستگذاری و دیالوگ اجتماعی نسبت به روندهای کاری در سراسر کشورهای جی ۲۰.

شاران بارو می گوید: "جهان نیازمند بالاکشیدن سهم دستمزد از درآمدها، یک حداقل تأمین اجتماعی، یک حداقل دستمزد به نحوی که تأمین کننده معیشت با منزلت افراد و تقویت قراردادهای جمعی است. هیچ اقدام دیگری نمی تواند بر این نابرابری فزاینده غلبه کند، اقتصاد را دو باره به راه اندازد و به عدالت اجتماعی جامه تحقق بخشد."

* مرسوم است که در جنب اجلاس سران کشورهای جی ۲۰، سازمانهای مدنی گروه های اجتماعی - مانند کارگران، جوانان، کارفرمایان، ... - نیز از کشورهای مختلف گرد هم می آیند و برای اثرگذاری بر تصمیمات اجلاس می کوشند. ال ۲۰ (Labor 20)، به مشابهت با جی ۲۰، معطوف به سازمانهای کارگری است

شاران بارو، دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، معتقد است که سران کشورهای جی ۲۰ باید اصول جدیدی را در باره سهم دستمزدها از درآمد ملی، که نابرابری آن مورد پذیرش وزیران کار این کشورهاست، مورد حمایت قرار دهند.

او می گوید: "یک سیاستگذاری که ناظر بر ایجاد نهادهای قدرتمند حامی بازار کار برای ایجاد مشاغل با کیفیت و تخفیف نابرابری درآمدها باشد، باید در اولویت اجلاس رهبران جی ۲۰ در چین قرار گیرد. ادامه روال مرسوم تا کنونی دیگر کار نمی کند. دستمزدها باید افزایش یابند. با سرمایه گذاری در زیرساختهای عمومی است که اقتصاد می تواند توسعه یابد."

فیلیپ جنینگز، دبیرکل اتحادیه جهانی یو.ان.آی. نیز می گوید: "دستمزد کارگران در سراسر جهان باید افزایش یابد. دیگر این وضع حاکم در جهان در حال توسعه، که میلیونها انسان در فقر مفرط به سر می برند، قابل دوام نیست. رهبران کشورهای جی ۲۰، که در چین گرد آمده اند، دیگر نمی توانند این مقیقت را نادیده بگیرند که ما داریم در حال خوابگردی به سمت فاجعه اقتصادی عمق یابنده ای گام برمی داریم. ما آنها را به عمل فر می خوانیم."

سال ۲۰۱۶ هم اکنون خود را به عنوان خطرناکترین سال اقتصادی از پس از ۲۰۰۹ به ثبت رسانده است. سالی که در آن ۴۵ درصد از مردم در لبه خط فقر زندگی می کنند و ۵۳ درصد تنها از درآمدی برای تأمین نیازهای پایه ای برخوردارند. این ارقام مبین یک فاجعه اجتماعی و اقتصادی اند.

تعهد وزیران کار کشورهای جی ۲۰ به تقلیل شکاف سهم دستمزد-سرمایه از درآمد ملی بنیانی است برای آن که دولتهای این کشورها به یک مدل رشد فراگیر حیات بخشند.

جان اوانز، دبیرکل کمیته مشورتی اتحادیه های کارگری نیز بر این نظر است که "تعهد گفته شده توسط وزیران



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۵ / ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۵۰

تشکل‌ها

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

لایحه ضد کارگری را محکوم می‌کنیم



رسمیت شناختن قراردادهای موقت کار، امنیت شغلی کارگران را نابود کرده است سخنی در میان نیست؟ چرا حق دفاع و اعتراض و اعتصاب برای کارگران در این لایحه جایی ندارد؟ این لایحه در حالی به مجلس تسلیم شده است که در چند سال گذشته بیشترین سرکوب علیه اعضای سندیکا شرکت واحد و دیگر تشکل‌های مستقل و فعالین کارگری در کشور انجام شده است؛ شدت برخوردهای امنیتی و پلیسی با فعالین عرصه کارگری بسیار کم نظیر بوده و بطور مکرر احکام زندان و شلاق و حبس‌های طولانی مدت علیه آنها به اجرا درآمده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام می‌دارد این سرکوب‌ها علیه کارگران و لایحه اصلاح ضد کارگری، به این منظور طراحی شده است تا بتواند ناکارآمدی و سیاست‌های غلط انجام شده توسط مسئولین را بپوشاند. تا نظارت صحیح و همه‌جانبه از سوی نهادهای مردمی و مستقل همچون سندیکاها و دیگر تشکل‌های مستقل کارگری در جامعه شکل نگیرد. با ادامه‌ی این سیاست‌ها مشکلات افت تولید، رکود اقتصادی، فساد و رانت خواری و اختلاس‌های میلیاردی در جامعه

دستاوردهای کارگران در بیش از نیم قرن گذشته و هجومی همه‌جانبه به این دستاوردها است. این اولین بار نیست لایحه‌ای این چنین ضد کارگری که از همه‌جانبه دست‌آوردهای حداقلی کارگران را نشانه‌رفته است به مجلس می‌رود، تا پایمال کردن حقوق کارگران قانونی‌تر بشود. گویا مهمترین اقدام هر دولتی که بر سرکار می‌آید، دست بردن به منافع کارگران به بهانه جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. بهترین‌ست دولت بجای دست بردن به حقوق کارگران که طی سالها مبارزه و تلاش در شرایط سخت بدست آمده به مسئله فساد و بیکاری و تورم افسار گسیخته که کمر کارگران و فرودستان جامعه را خم کرده است، بپردازد. چرا به جای دست‌درازی به قانون کار که بخشی از حقوق حداقلی کارگران را تامین می‌کند به فسادهای گسترده‌ای که کل جامعه را در بر گرفته و هرروز صدای رسوایی رانت‌ها و اختلاس‌های میلیاردی و ناکارآمدی مدیران دولتی و حکومتی، گوش مردم را کرده پرداخته نمی‌شود. چرا از اصلاح فصل ششم این قانون که اصل آزادی تشکل‌های صنفی را نقض می‌کند و یا از تغییر و اصلاح ماده هفت این قانون که با به

لایحه اصلاحی قانون کار با هدف پایمال کردن حقوق کارگران تدوین شده است. در برابر تصویب این لایحه ایستادگی خواهیم کرد درحالی لایحه اصلاح قانون کار به مجلس رفته است که طی سال‌های گذشته بخش‌هایی از این قانون که حمایت از حقوق کارگران را تاکید می‌کند عمدتاً و بطور عمدی اجرا نشده است. گویا این بخش‌های قانون ضمانت اجرایی خود را از دست داده است. حال دولت برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و دریافت وام‌های کلان از صندوق بین‌المللی پول جهت رونق اقتصاد بیمار، بطور یک‌جانبه و بدون حضور نمایندگان واقعی و مستقل کارگران با تغییراتی در قانون کار می‌خواهد با بی‌دفاع کردن و ارزان‌سازی نیروی کار سبب جذب سرمایه‌های خارجی و به زعم خود ایجاد رونق در فضای کسب و کار شود. ارائه دهندگان لایحه به جای اشتغالزایی برای لشکر بیکاران و اجرای صحیح قانون کار، مصمم هستند با تغییر یک‌جانبه در موادی از قانون کار زمینه سودآوری و سودجویی بیشتر برای کارفرمایان را فراهم آورند. اصرار بر تغییراتی در مواد ۱۰، ۱۲، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۴۱، و... این قانون به معنی حذف تمامی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۵ / ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۵۰

تشکیل این نهاد ها و ایجاد ارتباط بین بخش های پراکنده ی نهاد های مستقل و آزاد کارگری، هرچند زیر فشار شدید، ولی همچنان دست از خواسته ها و مطالبات خود بر نداشته در راه تحقق آن ها تلاش کنیم . یگانه راه ما برای جلوگیری از تصویب چنین لایحه های ضد کارگری ، آگاهی رسانی نسبت به این موضوع و کنشگری برای عملی کردن پیوستن نیروهای معترض مزد بگیران در سراسر کشور، به همدیگر است. چون این درخواست اعتراض ومخالفت، یک امر همگانی وسراسری است که به سرنوشت تمام طبقه کارگر ایران مربوط می شود، سازماندهی این ایستادگی هم، باهرشیوه ممکن، ضروریست درسراسر کشورتحقق یابد. این یورش همه جانبه برعلیه دستاورد های کارگران ایران یک پاد زهر دارد وآن اتحاد وهمبستگی ودر گیر کردن هرچه بیشتر تمامی بدنه مزد بگیران در این اعتراض وپیکار سراسری است. این راه و روشی است که ما کارگران در حول ان خود را آماده مقابله سراسری با این لایحه ضد کارگری وضد بشری می کنیم. سندیکا اعلام میدارد در صورت تصویب لایحه ی ضد کارگری ، دادخواهی، اعتراض وتجمع را حق مسلم همه کارگران می دانیم و تنها راه نجات ما کارگران و مزد بگیران ایجاد تشکل های سندیکایی و کارگری مستقل از دولت و متحد شدن همه ی کارگران در مقابل بی عدالتی ها و ظلم است.

اکنون بنا بر امار ارائه شده از سوی برخی نهاد های بین المللی قیمت مزد کارگران ایران به پایین ترین سطح دریافتی کارگران در سراسر جهان رسیده است. واین یعنی آماده کردن بهشتی برای سرمایه داران بین المللی!

اصل ۴۳ قانون اساسی حکومت ودولت را موظف می سازد، برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را بر اساس ضوابط زیر استوارسازند:

تامین نیازهای اساسی: مسکن ، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

این اصل حکومت را مکلف به انجام این وظایف ودیگر درخواست های ذیل این اصل می گرداند. یعنی حکومت وظیفه دارد این امکانات را برای همه ایرانیان فراهم آورد، حتا اگر بیکار یا دانش جو باشند. زمانی می توانیم اجرایی شدن این مطالبات را بر گردن حکومت قرار دهیم که با ایجاد سندیکاها، شوراها ودیگر نهادهای مستقل و سازمان های صنفی وسیاسی کارگری و مردم نهاد، در سطح کارگاهی ، شهری، منطقه ای، استانی وسراسری متشکل شده باشیم . این که فقط شرایط نا بسامان وبی قانونی ها را مطرح کنیم کافی نیست . ما می توانیم با

حل نخواهد شد و متاسفانه بیشترین هزینه را جامعه کارگری و حقوق بگیران فرو دست خواهند داد. از همه مهمتر این که با واردات انبوه کالاهای مصرفی از خارج، بخش عظیمی از صنایع کشور تعطیل شده است ودر نتیجه امواج نیروی کارگران بیکار به در بسته سیستم اقتصادی کشور کوبیده می شود. همچنین هر سال نزدیک به یک میلیون فارغ التحصیل از دانشگاه های مختلف کشور با دانش آموزان ودانشجویان ترک تحصیل کرده در هم آمیخته رقم بالای یک ملیون دویست هزار نفر جویای شغل را به بیکاران دیگر اضافه می کنند. بیهوده نیست که وزیر کار در مصاحبه هایش طی سال های گذشته از سونامی بیکاری ۱۲ ملیون نفره سخن گفته است. ومتاسفانه با علم به این موضوع ، فراهم آوردن شرایط یورش به ته مانده ماده های حمایتی قانون کار از کارگران را آغاز کرده اند. تغییر ماده های حمایتی مربوط به شرایط استخدام در رابطه با کارهای دائمی وموقت ، مفاد ماده ۷ و همچنین بی ثمر کردن ماده ۴۱ قانون کار وتبصره هایش در رابطه با تعیین حداقل دستمزد، دادن اختیار کامل به کارفرما در رابطه با اخراج کارگران که یاد اور ماده ۳۳ قانون کار دوران پیش از سال ۱۳۵۷ است، همه وهمه گامی به سوی برده کردن کارگران ومزد بگیران ایران است .جالب است که بدانیم هم

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه

۲۰ شهریور ۱۳۹۵